



چکیده:

بر کسی که به اضطراب و درماندگی و زیر فشار و اجبار و تهدید، مرتکب گناهی شود، عذابی نیست، نه مورد مؤاخذه الهی است و نه مورد مؤاخذه قانون. اما جامعه و حاکمیت، مسؤولیت خود را در قبال این اشخاص آسیب‌دیده دارند و همین آثار سوئی که از ارتکاب چنین زشتکاری‌هایی نصیبشان می‌شود، همان عذاب الهی است که در آخرت هم پاسخگوی آن خواهند بود.

کلیدواژه‌ها: سید علی اصغر غروی، تهدید، تجاوز، اضطراب، غفران

یکی از مسائل مبتلابه جوامع بشری از قدیم تا امروز، و خصوصاً در اجتماعات متمدن فعلی، اجبار کردن زیردستان یا ضعیفان است به ارتکاب جرائم و گناهان، به تهدید و ارعاب، درحالی‌که خود مایل نیستند. از جمله وادار کردن دختران و زنان به ارتکاب فحشاء. مقاله زیر بررسی این وضعیت است از منظر کلام الهی در قرآن کریم.

اولاً؛ جای تأسف فراوان دارد که مسلمان‌ها به این انحطاط اخلاقی رسیده‌اند. حقاً که باید خون گریست، همانگونه که سال‌ها است بر این وضع مضطرب و آشوب خون می‌گرییم!

ثانیاً؛ حفظ جان، در شرایط اضطراب و نیز در وضعیت عادی، واجب است. طبق آیه کریمه:

«... وَلَا تَقْتُلُوا أَنْفُسَكُمْ إِنَّ اللَّهَ كَانَ بِكُمْ رَحِيمًا (نساء ۲۹)»

... و مگشاید خودها را، برآستی که خدای پیوسته بوده است نسبت به شما بر صاحب‌رحمتی»

ثالثاً؛ و باز هم طبق آیه:

«فَمَنْ اضْطُرَّ غَيْرَ بَاغٍ وَلَا عَادٍ فَلَا إِثْمَ عَلَيْهِ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ (بقره ۱۷۳)»

پس هر که ناچار شد، بی‌آنکه گنهکار یا متجاوز باشد، پس نیست گناهی بر او، برآستی که خدای آمرزنده‌ی است صاحب‌رحمت.»

و نیز:

«... فَمَنْ اضْطُرَّ غَيْرَ بَاغٍ وَلَا عَادٍ فَإِنَّ رَبَّكَ غَفُورٌ رَحِيمٌ (انعام ۱۴۵ / مشابه نحل ۱۱۵)»

پس هر کس ناگزیر شد، غیر گنهکار و غیر متجاوز، پس همانا پروردگار تو آمرزنده‌ی است صاحب‌رحمت.»

بناء بر این اگر کسی در موقعیت ایمانی باشد، و به ایمان خود شک نداشته باشد، ولی در شرایط اضطراب و ناچاری، و تحت فشار و تهدید به قتل، مرتکب گناهی شود، خدای تعالی، در مقام رحمت و مغفرت، با توجه به آیات مذکور، گناه او را مورد آمرزش قرار می‌دهد. خدای تعالی در آیه ۱۱۹ سوره انعام می‌فرماید:

«... وَقَدْ فَضَّلَ لَكُمْ مَا حَرَّمَ عَلَيْكُمْ إِلَّا مَا اضْطُرِرْتُمْ إِلَيْهِ ...»

و هر آینه از هم گشوده است (توضیح داده است) برای شما، آنچه را که حرام کرده است بر شما، جز آنچه را که ناچار شده باشید بدان ...».

و همچنین در آیه ۱۰۶ سوره نحل فرموده:



«مَنْ كَفَرَ بِاللَّهِ مِنْ بَعْدِ إِيمَانِهِ إِلَّا مَنْ أَكْرَهَ وَقَلْبُهُ مُطْمَئِنٌّ بِالْإِيمَانِ ...»

هر کس حق را پوشانید نسبت به خدای از پس ایمانش، جز آن کس که وادار گشته و قلبش مطمئن است به ایمان ...»

و باز از آخرین آیات کلام الهی در سوره مانده، آیه سوم است که می گوید:

«... الْيَوْمَ نَبِّئُ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ دِينِكُمْ فَلَا تَخْشَوْهُمْ وَاخْشَوْنِ الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتَمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَرَضِيْتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا فَمَنِ اضْطُرَّ فِي مَخْمَصَةٍ غَيْرِ مُتَجَانِفٍ لِإِثْمٍ فَإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ

امروز مایوس شده‌اند، آنان که کافر گشته‌اند، از دین شما، پس نهراسید از آنان و بهراسید از من. امروز کامل ساختم برای شما یان دینتان را، و تمام نمودم بر شما یان نعمتم را، و خشنود گشتم برای شما یان که اسلام دینتان باشد. پس هر کس که ناچار گردد در چالشی از گرسنگی، بی آنکه قاصد به گناهی باشد، پس همانا خدای آمرزنده بی است صاحب رحمت».

به روایت حضرت صادق از رسول گرامی، صلوات الله علیه نیز آمده است که:

«وَضِعَ عَنْ أُمَّتِي نِسْعَ خِصَالٍ: الْخَطَأُ، وَالتَّسْيَانُ، وَ مَا لَا يَعْلَمُونَ، وَ مَا لَا يُطِيقُونَ، وَ مَا اضْطُرُّوا إِلَيْهِ، وَ مَا اسْتَكْرَهُوا عَلَيْهِ، وَ الطَّبْرَةُ، وَ الْوُسُوسَةُ فِي التَّفَكُّرِ فِي الْخَلْقِ، وَ الْحَسَدُ مَا لَمْ يُظْهِرْ بِلِسَانٍ أَوْ يَدٍ (کافی، باب ما رُفِعَ عَنِ الْأُمَّةِ / وافی، باب ما لَا يُؤَاخَذُ عَلَيْهِ) از امت من نه خصلت و مسؤولیت برداشته شده: خطاء، و فراموشی، و آنچه را که نمی دانند، و آنچه را که طاقت ندارند، و آنچه را که ناچار به انجامش شده‌اند، و آنچه را که به اجبار کرده‌اند، و سبک عقلی، و وسوسه شدن جهت آزار مردم، و حسد ورزیدن تا زمانی که به زبان یا دست ظاهرش نساخته باشد».

باز گردیم به کتاب خدا که درخصوص بندگانی که مرتکب چنین معصیت‌هایی شده‌اند، فرموده:

«قُلْ يَا عِبَادِيَ الَّذِينَ أَسْرَفُوا عَلَىٰ أَنفُسِهِمْ لَا تَقْنَطُوا مِن رَّحْمَةِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يَغْفِرُ الذُّنُوبَ جَمِيعًا إِنَّهُ هُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ / وَأَيُّبُوا إِلَىٰ رَبِّكُمْ وَأَسْلِمُوا لَهُ مِن قَبْلِ أَن يَأْتِيَكُمُ الْعَذَابُ ثُمَّ لَا تُنصَرُونَ (زمر ۵۳ و ۵۴)

بگو ای بندگان من که زیاده‌روی کردید در حق خود، ناامید نگردید از رحمت خدای، که خدای می‌آمرزد واپس ماندگی‌ها را تماماً. همانا او است آمرزنده صاحب رحمت / و باز گردید به سوی پروردگارتان و تسلیم او گردید، پیش از آنکه بیاید شما یان را عذاب، سپس یاری نشوید»

و اما درخصوص توبه‌ی که نصوح است و کاملاً پاک و قابل قبول، می گوید:

«إِنَّمَا التَّوْبَةُ عَلَى اللَّهِ لِلَّذِينَ يَعْمَلُونَ السُّوءَ بِجَهَالَةٍ ثُمَّ يَتُوبُونَ مِن قَرِيبٍ فَأُولَٰئِكَ يَتُوبُ اللَّهُ عَلَيْهِمْ وَكَانَ اللَّهُ عَلِيمًا حَكِيمًا / وَكَانَتِ التَّوْبَةُ لِلَّذِينَ يَعْمَلُونَ السَّيِّئَاتِ حَتَّىٰ إِذَا حَضَرَ أَحَدَهُمُ الْمَوْتُ قَالَ إِنِّي تُبْتُ الْآنَ وَلَا الَّذِينَ يُمُوتُونَ وَهُمْ كُفَّارٌ أُولَٰئِكَ أَعْتَدْنَا لَهُمُ عَذَابًا أَلِيمًا (نساء ۱۷ و ۱۸)

جز این نیست که بازگشت‌پذیری خدای برای آن کسان است که مرتکب می‌شوند بدی را، از سر جهالت، سپس باز می‌گردند از نزدیک (خیلی زود). پس هم اینانند که باز می‌گردد خدای بر ایشان، و نیست خدای غافل از آنچه می‌کنید / و نیست توبه مر آنان را که مرتکب می‌شوند بدی‌ها را تا آن هنگام که فرارسید یکی از ایشان را مرگ، (آنگاه) گفت: همانا من توبه کردم هم اکنون. و نه آنان که می‌میرند در حالی که هم اینان حق پوشانند. هم اینان را فراهم آوردیم برای‌شان عذابی دردناک»

حاصل آنکه، هر گناهی را که مؤمنی، به اکراه و اجبار مرتکب شود، مورد غفران الهی قرار می‌گیرد. مضافاً بر اینکه اگر کسی گناهی را، البته نه به اجبار، بلکه به اختیار مرتکب شد، و سپس به قُبْح آن آگاهی یافت و دانست تا چه اندازه نزد خدای تعالی منفور گشته، آنگاه دست از تکرار آن کشید، و اصرار بر انجامش نورزید، خدای تعالی او را مورد آمرزش و رحمت خود قرار می‌دهد.

به آیات زیر توجه کنیم:

«وَالَّذِينَ إِذَا فَعَلُوا فَاحِشَةً أَوْ ظَلَمُوا أَنفُسَهُمْ ذَكَرُوا اللَّهَ فَاسْتَغْفَرُوا لِذُنُوبِهِمْ وَمَن يَغْفِرُ الذُّنُوبَ إِلَّا اللَّهُ وَلَمْ يُصِرُّوا عَلَىٰ مَا فَعَلُوا وَهُمْ يَعْلَمُونَ (آل عمران ۱۳۵)

و آنان که هر گاه انجام زشتکاری آشکاری را، یا ستم کرده‌اند بر خویشان خویش، یاد خدا کردند، پس طلب آمرزش نمودند برای پس ماندگی‌هاشان. و چه کسی آمرزش دهد پس ماندگی‌ها را جز خدای؟ و اصرار نورزیدند بر آنچه کرده‌اند، در حالی که ایشان می‌دانند».

«الَّذِينَ يَجْتَنِبُونَ كَبَائِرَ الْإِثْمِ وَالْفَوَاحِشَ إِلَّا اللَّمَمَ إِنَّ رَبَّكَ وَاسِعُ الْمَغْفِرَةِ... (نجم ۳۲)

آنان که دوری گزینند کبیره‌های گناه را و بی‌شرمی‌ها را، جز اندکی را، همانا پروردگار تو فراخ‌آمرزش است...»

و اما مسئولیت کل جامعه و حاکمیت و دولت در اینگونه رخدادهای شوم و چندان‌آور و مشمترکننده، نباید نادیده گرفته شود. شاید بتوان گفت بیشترین و عظیم‌ترین گناه این وقایع شوم، بر شانه آنان سنگینی می‌کند! زیرا در اکثر موضوعات «سبب، اقوای از مباشر است». و اینان اسباب اصلی اینگونه رخدادهای نابودکننده هستند. آیات در این زمینه بسیار است، که فقط یک نمونه از آنها را متذکر می‌شویم:

«... يَا مُرُونَ بِالْمُنْكَرِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمَعْرُوفِ... (توبه ۶۷)

... فرمان دهند به زشتی ناشناخته (ناپسند) و بازدارند از شناخته‌شده (پسندیده) ...»

نتیجه این خلاصه آنکه بر این کسان که به اضطرار و درماندگی و زیر فشار و اجبار و تهدید، مرتکب گناهی می‌شوند، هیچ عذابی نیست، چه دختر باشند یا پسر، نه مورد مؤاخذه الهی هستند و نه مورد مؤاخذه قانون. اما جامعه و حاکمیت، مسئولیت خود را در قبال این اشخاص آسیب‌دیده دارند و همین آثار سوئی که از ارتکاب چنین زشتکاری‌هایی نصیبشان می‌شود، همان عذاب الهی است که در آخرت هم پاسخگوی آن خواهند بود. آیات عدیده حاکی از این حقیقت است که از ذکر آنها منصرف می‌شویم.

